

نقد کتاب

سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران

ناصر قاسمی*

چکیده

اصولاً هر رشته مطالعاتی به گونه‌ای انتخاب شده و برگزیده می‌شود که از یک سو بیان‌گر محتوای آن رشته باشد و از سوی دیگر، بتواند حدود و قلمرو آن را تبیین کند؛ مانند جامعه‌شناسی، کیفرشناسی، جرم‌شناسی. حال آن‌که سیاست جنایی رشته‌ای است که گستره‌ای فراتر از عنوان خود دارد و شامل موضوعات متعدد و گوناگون است. هم‌چنین، از نگاه عرصه‌های متنوع علمی و نیز نظام‌های مختلف حقوقی، به‌ویژه دینی و اسلامی، قابلیت طرح ارزیابی دارد. درباره مفهوم سیاست جنایی از گذشته تاکنون، نظریات اندیشمندان بسیاری در جوامع غربی و شرقی و نیز در ایران قبل و پس از انقلاب اسلامی بیان شده است که در مواردی از آن‌ها تأمل و دقت لازم است. پرداختن به نگاه غیردینی و دینی به سیاست جنایی و ترسیم جایگاه آن در این دو قلمرو موضوعی است که در کتاب موردارزیابی، بدان توجه شده است و نگارنده تلاش کرده تا جایگاه را تبیین کند و از نقش آن در مباحث دینی و به‌تبع آن در نظام حقوقی کنونی جمهوری اسلامی ایران سخن بگوید.

کلیدواژه‌ها: سیاست، جنایت، نگاه دینی و غیردینی، جرم و مجازات.

۱. مقدمه

سیاست جنایی که محور بنیادین بررسی‌های کتاب موردنظر است، از دو واژه سیاست و جنایی ترکیب شده است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، dr.ghasemi76@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۲

سیاست عبارت است از درک، تدبیر، و اداره مسائلی و امور جامعه (لازرژ ۱۳۸۲: ۳۹). صرف‌نظر از معانی یادشده، می‌توان به مفهوم لغوی تنبیه‌کردن و کیفردادن نیز اشاره کرد (جعفری لنگرودی ۱۳۷۸: ۲۲۲۰)، اما تردیدی نیست که غرض از اصطلاح سیاست جنایی و کاربرد کلمه سیاست در آن فقط اداره‌کردن یا مجرد تنبیه و کیفر نیست و می‌توان گفت که معنای متعدد سیاست قابلیت انطباق با آن را دارد.

واژه جنایی، که از جنایت گرفته شده است، نیز نمی‌تواند در معنای مضیق آن به‌کار رود، زیرا چنین کاربردی سبب ایجاد محدودیت در قلمرو این رشته و موضوعات آن خواهد شد. جنایت به معنای گناه و جرم است و در حقوق جزای اسلامی شامل هر فعل یا ترک فعلی است که بر آن قصاص یا عقوبت مترتب شود (همان: ۱۵۷۱). به تعبیر دیگر، هر نوع صدمه و هدم را که به جسم و جان آدمی وارد شود، جنایت گویند (همان: ۱۵۷۰).

بنابراین، اگر گفته شود که مراد از کاربرد کلمه جنایی همانا جرم و گناه (به تعبیر دینی آن) و ورود صدمه به جسم و جان اشخاص است، بایستی موارد زیادی از مباحث را از دایره این رشته خارج کرد و مطالعه آن‌ها را متوقف کرد. از این رو، ناگزیر باید به معنای فراتر از آن توجه کرد و اولاً گستره‌ای به مراتب وسیع‌تر از جرایم جنایی را مدنظر قرار داد تا بتوان به تحلیل جرایم گوناگون مبادرت کرد و ثانیاً محدوده آن را به ورطه غیرکیفری و غیرمجرمانه سوق داد تا بر آن مبنا امکان بررسی رفتارهای نابه‌هنجار و کژمداری‌ها و انحرافات نیز با واکنش‌های مختلف دولتی (رسمی)^۱ و جامعه‌ای (غیررسمی)^۲ (لازرژ ۱۳۸۲: ۳۹) درکنار رفتارهای مجرمانه پدید آید. بنابر آنچه گفته شد، ارکان سیاست جنایی عبارت‌اند از ۱. جرم، ۲. انحراف، ۳. دولت، ۴. جامعه مدنی (همان: ۳۷).

جرم (crime, offence) پدیده‌ای است که واقعیات انسانی و اجتماعی دارد. بدین معنا که تنها در رابطه با افعال مثبت و منفی که از سوی آدمی سرمی‌زند قابل تحقق است و قابل انتساب به سایر موجودات نیست و فقط اوست که می‌تواند مسئول قلمداد شود. به علاوه، وقوع جرم در بستر اجتماعی و زندگی انسان‌ها در این محیط رخ می‌دهد و امکان پیش‌گیری و واکنش در برابر آن را دارد.

اجتماعات بشری همواره برای صیانت از ارزش‌های اساسی مشترک و نیز دینی و اخلاقی، حفظ و استقرار نظم، امنیت و آسایش و استمرار زیست آدمیان، قواعد و مقرراتی را در قالب قوانین وضع کرده‌اند. در این میان، عده‌ای از اعضای جوامع هستند که به مقابله و ستیز با این قوانین پرداخته‌اند و برخلاف اکثریت جامعه، منافع خویش را در نقض این قوانین و مقررات پی‌جویی می‌کنند.

جرم واژه‌ای است که در رشته‌های مختلف علمی مرتبط اعم از حقوق کیفری، جامعه‌شناسی کیفری، روان‌شناسی، و روان‌پزشکی کیفری، جرم‌شناسی از دریچه‌های تخصصی ویژه تعریف شده است. مقنن نیز در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آن را تعریف کرده است. در این ماده آمده است: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود».

در تکمیل این مطلب، فقط به ارائه یک تعریف از جرم از منظر حقوق کیفری بسنده می‌شود. بر این اساس، جرم عبارت است از کنش نقیض نظم اجتماعی.^۳

انحراف (deviation)، که از آن به کژروی، کج‌روی، ناهم‌نوایی، و غیره تعبیر می‌شود، کلمه‌ای است که معنای گوناگون و با ویژگی‌های مشترک در دانش‌ها و رشته‌های مختلف نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، و اخلاق دارد و نیز دارای ابعاد متنوعی اعم از اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی است. هم‌چنین، از دیدگاه دینی و مذهبی، مفهوم مختص به خود را داراست.

از منظر جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان انحراف رفتاری است که مخرب زندگی است و مرتکب آن سرزنش خواهد شد یا مورد لطمه و جریمه واقع خواهد شد (امین صارمی ۱۳۸۰: ۵۵). انحراف چگونگی عملی که شخص مرتکب می‌شود نیست، بلکه نتیجه عملی است که دیگران بر حسب ضمانت اجرایی قوانینی به متخلف نسبت می‌دهند (همان). هم‌چنین، در ره‌گذر انحراف و انحرافات اجتماعی گفته شده است که انحراف دوری‌جستن و فرار از هنجارهاست و وقتی رخ می‌دهد که فرد یا گروه ضوابط اجتماعی را مراعات نمی‌کند (همان: ۵۴). کوئن در این باره می‌گوید: «انحراف هرگونه رفتاری است که با انتظارات جامعه منطبق و سازگار نیست» (همان).

انحراف از منظر دینی (اسلام) عبارت است از سرپیچی کردن از معیارهای اعتقادی و تعالیم مذهبی. به عبارت دیگر، سرکشی و طغیان در برابر اوامر و نواهی پروردگار است (همان: ۶۷).

منحرف (deviant) یا کج‌رو کسی است که رفتار نابه‌هنجار او زودگذر نیست و دوام زمانی دارد. کسی است که از هنجارها متابعت نمی‌کند و نسبت به نقض آن‌ها اقدام می‌کند (همان: ۵۳).

با در نظر گرفتن مصادیق انحرافات اجتماعی مانند زنا، لواط، شراب‌خواری می‌توان گفت که انحرافات اجتماعی همان منکرات، فحشا، و مفسده‌هایی است که اجتماعات انسانی را

آلوده می‌کند و سلامت فکری و رفتاری بسیاری از مردم جامعه، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، را در معرض خطر جدی قرار می‌دهند.

منکر به معنای کار زشت، ناپسند، قول، و فعل برخلاف رضای خداوند، نامشروع، بد، ناروا، قبیح، و ناشایسته است. بنابراین، منکرات کارهای زشت و ناپسند و برخلاف رضایت حق تعالی خواهد بود.^۴

از منظر اسلامی منکرات اعمالی است که انسان را از ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی و انسانی دور می‌کند و اجتماع را به نابه‌سامانی و ویرانی دچار می‌کند (همان: ۶۸-۶۹). نکته قابل توجه آن‌که انحراف و کج‌روی از حیث مترادف بودن یا نبودن محل اختلاف است. برخی مانند گی‌روشه، جامعه‌شناس فرانسوی، میان این دو تفکیک قائل‌اند. در حالی که از نگاه عده‌ای از جامعه‌شناسان، فارسی و لاتین این دو واژه با یک‌دیگر تفاوت ندارند (همان: ۵۳-۵۴) و به نظر می‌رسد که پذیرش فقدان تفاوت اولی بر قبول تهافت است.

بنابراین، در عرصه سیاست جنایی می‌بایست از رفتارهای مجرمانه (جرم) و غیرمجرمانه (انحراف) همواره با پاسخ‌های فعال (کنشی) و منفعل (واکنشی) با ویژگی‌های رسمی (دولتی) و غیررسمی (جامعه‌ای) سخن گفت.

۲. معرفی کلی اثر

کتاب یادشده اثر تألیفی یکی از اعضای محترم هیئت علمی دانشگاه تهران در ره‌گذر جرم‌شناسی به معنای اعم و سیاست جنایی و به‌ویژه از منظر اسلام و جمهوری اسلامی ایران به معنای اخص است. نگارنده در چاپ نخست این اثر در سال ۱۳۸۳ در تهران و توسط انتشارات سمت و چاپ سوم آن، در سال ۱۳۹۳ بدون تغییر، مطالب موردنظر خویش را طی سه باب سیاست جنایی و تحلیل ساختاری آن در باب نخست، منطقه کنترل‌شده رفتاری در باب دوم و مراجع پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه در باب سوم ارائه کرده است.

درباره مفهوم سیاست جنایی به دو عنوان مفهوم محدود (مضیق) و گسترده (موسع) توجه کرده و تعاریفی از آن‌ها را ارائه کرده است. «سیاست جنایی» در معنای محدود از نگاه فویر باخ عبارت است از «مجموعه روش‌های سرکوب‌کننده که دولت به وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد» (مارتی دلماس ۱۳۸۱: ۵۹).

فن لیست در این باره می‌گوید: «به‌کارگیری حقوق کیفری از نقطه‌نظر مبارزه مؤثر علیه بزه». هم‌چنین، در راستای بیان همین مفهوم دوندیو دووایر، حقوق‌دان برجسته فرانسوی و عضو محکمه نظامی نورنبرگ، در زمینه مفهوم سیاست جنایی بر این نظر است که این اصطلاح عبارت است از «ابزار واکنش کیفری و سرکوب‌گر در مقابل جرم» (لازرژ ۱۳۸۲: ۱۱).

در ره‌گذر تعریف گسترده سیاست جنایی می‌توان از تعریف دلماس مارتی نام برد. وی در بیان مفهوم فراگیر این عنوان می‌گوید: «سیاست جنایی عبارت است از مجموعه روش‌هایی که به وسیله آن بدنه اجتماعی (هیئت اجتماعی) پاسخ‌های خود را به پدیده مجرمانه سازمان‌دهی می‌کند» (همان: ۱۵).

علاوه بر آن، نگارنده اثر مورد نظر سیاست جنایی اسلام و جمهوری اسلامی ایران را نیز بر اساس مبانی و ادله اربعه و موازین فقهی در چهارچوب تعیین هنجارهای اخلاقی، دینی، حقوقی، رفتارهای انحراف‌آمیز و نابه‌هنجار و مجرمانه، و در نهایت پاسخ‌های منطبق با موازین و معیارهای دینی و فقهی (البته به نحو کوتاه) مورد توجه قرار داده است.

مهم‌ترین هدف‌ها و سودمندی‌های حاصل از نگارش این کتاب از دیدگاه نگارنده بدین ترتیب است:

۱. شرح‌دادن و آشکارکردن معنای اصطلاحی «سیاست جنایی» و ارائه تصویری روشن از اصطلاح یادشده و مفاهیم گوناگون آن؛

۲. تهیه و ارائه چهارچوبی منطبق و هماهنگ با منطق علمی و واقعیات عملی به منظور آموزش و پژوهش در قلمرو سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران، به گونه‌ای که با آموزه‌های فرهنگی و حقوقی اجتماع مسلمان و پیرو دین کامل و خاتم سازگاری داشته باشد؛

۳. فراهم کردن زمینه مناسب برای آماده‌ساختن بستری برای نگاه منسجم به اجزا و ابعاد گوناگون موضوعات مربوط به جرم‌انگاری و پاسخ‌دهی به نقض هنجارهای قانونی و حقوق کیفری در قالب سیاست جنایی مطلوب؛

هم‌چنین، ره‌یافت‌هایی که این اثر می‌تواند در عرصه سیاست جنایی ایران به‌هم‌راه آورد و دارای اهمیت نیز تلقی شود، به ترتیب ذیل خواهد بود:

۱. توجه به این نکته که باید از محدودنگری گذشته به موضوعات حقوق کیفری فراتر رفت و از نگاه‌های نوین، مانند مقوله‌های روزآمد سیاست جنایی در وضع قواعد و مقررات یا تحلیل آن‌ها بهره برد؛
۲. نظرهای اندیشمندان غربی درباره سیاست جنایی اسلام و ایران را به نقد کشید و اشکالات وارده به آن تفکرات و استنباطات نادرست آن‌ها از اسلام و مقررات آن و نیز سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران را تبیین و گوش زد کرد؛
۳. تأثیرپذیری برخی از صاحب‌نظران و پژوهش‌گران قلمرو حقوق کیفری و جرم‌شناسی از تفکرات غربی را، که مدعی وجود کاستی در دیدگاه اندیشمندان اسلامی و مقررات اسلام در مقوله‌های مربوط به سیاست جنایی‌اند، زایل می‌کند یا دست‌کم مورد تردید قرار می‌دهد؛
۴. حقوق کیفری و جرم‌شناسی ایران، در دهه‌های اخیر پس از انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، دست‌خوش دگرگونی‌های متنوع و روبه‌رشدی در ابعاد نظری و عملی شده است که ره‌آورد آن به‌ویژه در انجام‌گرفتن تحقیقات و نگارش‌های علمی و تدوین قوانین و مقررات قابل‌مشاهده است؛
۵. بیان برتری دیدگاه اسلامی به موضوعات سیاست جنایی، از حیث پیشینه و ژرف‌نگری در موضوعات آن، نسبت به جایگاه آن در حقوق و نظام‌های غربی است؛
۶. ایجاد انگیزه در صاحب‌نظران و متخصصان دانش حقوق کیفری و جرم‌شناسی در مرکز دانشگاهی و حوزوی، انجام مطالعات گسترده در زمینه سیاست جنایی به‌طور اعم و سیاست جنایی اسلام و ایران به‌طور اخص، به قلمروهای گوناگون و موردنیاز فردی، اجتماعی، تقنینی، قضایی، و...

۳. بررسی ابعاد شکلی اثر

از نظر روانی و رسایی متن این کتاب می‌توان گفت که نگارنده در بیان مفاهیم بسیاری از موضوعات تا میزان زیادی از آسان‌گویی فاصله گرفته است، به‌گونه‌ای که خواننده را مجبور می‌کند تا برای درک مطالب چندین مرتبه متن و عبارات را مطالعه کند. بنابراین، چنین متنی مانع از آن می‌شود که این‌گونه نگارش مثبت تلقی شود. هرچند کاربرد برخی از واژه‌ها، عبارات، و جملات، که ظاهر فنی و مغلق و دشوار دارند، ممکن است درست به‌نظر برسد، در ره‌گذر تعلیم و تربیت که سرعت در فراگیری و دریافت مفاهیم و انتقال

آن‌ها به حافظه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بهتر آن است که تاجایی که میسر است مطالب به شیوه روان بیان شود.

در خصوص رعایت قواعد نگارش، متن اثر ایراداتی نظیر رعایت نشدن ضابطه شروع پارگراف‌ها در صفحات متعدد، سرهم‌نویسی واژه‌ها، ترکیب کلمات غیرفارسی و فارسی است، ولی کیفیت اثر از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، طرح جلد در حد مطلوب است.

۱.۳ امتیازات اثر

کتاب موردبررسی از نظر شکلی نقاط مثبتی دارد که به‌اجمال بدین قرار است:

۱. از نظر حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، طرح جلد، و صحافی مطلوب و درخور توجه است؛
۲. مزین بودن به تصویر مبارک حضرت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی؛
۳. طبقه‌بندی عناوین در فهرست مطالب؛
۴. رعایت نسبی تعداد صفحات در ابواب فهرست مطالب؛
۵. چگونگی شروع و خاتمه مباحث کتاب؛
۶. رعایت ضابطه شروع پاراگراف‌ها در بسیاری از موارد؛
۷. ارتباط منطقی عناوین باب‌ها و نیز ابواب سه‌گانه فهرست مطالب؛

۲.۳ کاستی‌های اثر

صرف‌نظر از امتیازاتی که این کتاب از حیث شکلی دارد، ایراداتی نیز به‌چشم می‌خورد که فهرست این موارد بیان می‌شود:

۱. استفاده نکردن از اعداد در طبقه‌بندی عناوین فهرست، زیرا بهره‌گیری از اعداد امکان استفاده گسترده‌تر و عمقی‌تر عنوان‌ها را به نگارنده خواهد داد؛
۲. در رده‌بندی موضوعات، روش متداول سبک پیشین نیز رعایت نشده است و به‌جای بخش، فصل، گفتار، مبحث، قسمت از باب، مبحث، فصل، و گفتار استفاده شده است؛

۳. در صورتی که به جای واژه «نخست» از واژه اول استفاده می‌شد، هماهنگی مطلوب‌تری با سایر واژه‌های مرتبط (دوم - سوم) برقرار می‌شد؛
۴. در ابتدای هر باب، عنوان مبحث مقدم بر فصول آمده است و سپس در مرتبه پس از وصول نیز قرار گرفته است؛
۵. برخی از مباحث دو گفتار و برخی سه گفتار دارند و برخی نیز گفتار ندارند؛
۶. عنوان باب نخست با عنوان فصل دوم یکسان بوده و تکرار شده است، حال آن‌که این تکرار موجه نیست؛
۷. استفاده متعدد از واژه‌های غیرفارسی (غربی) در فهرست مطالب؛

۳.۳ ایرادات متن

- در متن اثر مزبور، اشکالات شکلی متعددی دیده می‌شود که مواردی از آن‌ها بدین قرار است:
۱. به کاربردن ترکیب کلمات و حروف یا سرهم‌نویسی واژه‌ها که برای نمونه می‌توان از واژه‌های «چراکه» به جای «زیرا» در صفحات ۳، ۲۰، ۳۰، ۳۴، و «بدان» به جای واژه «به آن» در صفحه ۱۴، ۱۵، بدین به جای واژه «به این» در صفحات ۱۴، ۱۶، ۶۰، هم‌چنین به جای هم‌چنین در صفحات ۱۸۱ نام برد؛
 ۲. رعایت نشدن معیار شروع پاراگراف‌ها در بسیاری از صفحات کتاب، از جمله صفحات ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۴۴، ۴۶، ۶۰؛
 ۳. استفاده مکرر از واژه‌های مترادف به صورت پیاپی که ضرورتی ندارد؛ مانند شرح و ایضاح در صفحه ۳، یافته یا محصول در صفحه ۵، رفتارکنندگان یا فاعلان در صفحه ۸، تئوری و نظری در صفحه ۱۱، عملی و کاربردی در صفحه ۱۱، منابع و مأخذ در صفحه ۲۵۳؛
 ۴. به کاربردن فعل ناقص در نگارش متن به صورت فراوان؛ نداشته، نبوده در صفحه ۵؛ دانسته شده در صفحه ۸؛ نیافتاده، اتخاذ نگردیده در صفحه ۱۳؛ رواج یافته، نداشته در صفحه ۲۲؛
 ۵. اشکالات ویرایشی در متن مانند ضرورت تبدیل نقطه به ویرگول در سطر سوم، پاراگراف سوم، صفحه ۱۴، سطر چهارم، پاراگراف دوم، صفحه ۱۶۶؛ ضرورت تبدیل ویرگول به نقطه و ویرگول در صفحات متعدد مانند سطر پنجم، پاراگراف دوم، صفحه ۸۱، سطر چهارم، پاراگراف دوم صفحه ۹۵؛

۶. استفاده فراوان نگارنده اثر از واژه‌های غربی (درحالی که شایسته است کلمات فارسی مطابق با معنای این واژه‌ها به کار گرفته شود) مانند لاییک لیبرال در صفحه ۱۵، میلشیا در صفحه ۲۷، ایدئولوژیک در صفحات ۲۹ و ۳۱؛
۷. به کاربرد فراوان ترکیب واژه‌های غربی با علائم (نشانه‌ها) یا کلمات فارسی مانند پارادوکس گونه لایرها، ژوریست‌ها در صفحه ۲۲، آنارشئیست‌ها و سوسیال مارکسیست‌ها در صفحه ۳۸؛
۸. صرف نظر از این که شایسته است از کلمات فارسی بیش تر استفاده شود، در نگارش اصطلاحات می بایست موارد رایج مورد توجه قرار گیرد؛ مانند ضرورت تغییر عنوان «کامان لا» به «کامن لو» در سطر ۱۲ صفحه ۱۵۲؛
۹. ضرورت افزودن حرف (ع) یا عبارت علیهم السلام، پس از ذکر کلمه معصومین در سطر سوم پاراگراف آخر صفحه ۱۵۴ و موارد مشابه؛
۱۰. اصلاح عبارت «باقی می ماند بررسی عنصر ثابت دیگر» در پایان صفحه ۵۴؛
۱۱. لزوم افزودن کلمه «قمری» به عبارت «نه سال تمام» در صفحه چهارم صفحه ۱۰۶؛
۱۲. اختصاص نیافتن شروع فصل‌ها و عنوان آن‌ها در صفحات جداگانه؛

۴.۳ ایرادات پانوش

- با وجود پانوش‌های مطلوب و قابل قبول، اشکالاتی در مواردی از پانوش کتاب نیز به چشم می خورد که به مواردی از آن‌ها اشاره می شود:
۱. کامل نبودن مشخصات مربوط به برخی از منابع بر حسب مورد از نوبت چاپ، ناشر، محل چاپ، و سال انتشار مانند منبع شماره ۳ در صفحه ۲۳، صفحه ۱۰۵، منبع شماره ۲ در صفحه ۱۰۶؛
 ۲. رعایت نشدن ضابطه تکرار منابع در صفحات متعدد، اعم از تکرار نام منبع، تکرار مشخصات منابع که به دنبال هم آمده‌اند، به جای ذکر کلمه همان؛ مانند ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۶۳، ۱۶۶، ۲۴۲؛
 ۳. افزودن مواد و مستندات قانونی در ادامه بیان مشخصات منبع فقهی مانند پانوش شماره ۲، صفحه ۱۰۶؛
 ۴. استفاده نادرست از شیوه‌های متفاوت در ارائه مشخصات مانند منبع ذیل:
- امام روح الله خمینی در صفحه ۱۱۳؛

- امام خمینی در صفحه ۱۱۴؛
- الامام روح‌الله الموسوی الخمینی در صفحات ۲۰۹، ۱۲۷؛
- روح‌الله الموسوی الخمینی در صفحه ۱۴۷.

۵.۳ ایرادات فهرست منابع

اشکالات مهمی که در این قسمت کتاب دیده می‌شود بدین ترتیب است:

۱. نگارش کلمه مترادف مأخذ که باید حذف شود؛
۲. یک‌جانویسی منابع فارسی و عربی، که ارائه جداگانه آن‌ها مطلوب خواهد بود؛
۳. کامل نبودن مشخصات برخی از منابع؛ مانند ردیف‌های سوم، پنجم، ششم، و آخر در صفحه ۲۵۳ و ردیف‌های سوم، ششم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم، سیزدهم، چهاردهم، پانزدهم، در صفحه ۲۵۴؛
۴. شماره‌گذاری نشدن منابع؛
۵. ارائه منبع مجله با کتب در ردیف دوازدهم در صفحه ۲۵۳؛
۶. افزودن منبع قانون به کتب در انتهای فهرست منابع فارسی و عربی در صفحه ۲۵۵ به دو علت؛ اول قانون اصولاً ابزار در نگارش‌های علمی و پژوهشی است که محصول فعالیت‌های مقنن است و به این ترتیب منبع تلقی نمی‌شود. دوم، در صورت استفاده از قوانین در تدوین کتاب و مانند آن، می‌بایست به صورت جداگانه و با ذکر عناوین تاریخ تصویب ارائه شوند؛
۷. لحاظ قرآن کریم در شماره منابع، قرآن کریم در اندازه منبع یک کتاب و فعالیت‌های علمی پژوهشی نیست و شأن آن به مراتب برتر از این مقوله است و نباید در کنار دیگر کتب که پدیدآورندگان آن انسان‌ها هستند، قرار گیرد. بدیهی است در صورت استفاده از آیات کتاب آسمانی قرآن می‌بایست فراسوی منابع و بدون ذکر شماره از آن نام برده می‌شد؛
۸. ذکر نشدن برخی از منابع که در متن و پانوشت‌ها از آن‌ها استفاده شده است، اما در منابع آورده نشده؛ مانند کتاب *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی نوشته دلماس مارتی* در صفحات ۲۷ و ۲۸؛
۹. در ارائه برخی از منابع گفته شده است که تاریخ نگارش ندارند، در حالی که این سخن صحیح نیست؛ مانند بدون تاریخ دانستن *تحریر الوسیله* در ردیف سوم صفحه ۲۵۴، *مبانی تکملة المنهاج* سیدابوالقاسم خوبی (ره) در ردیف چهارم صفحه یادشده؛

۱۰. به‌کاربردن شیوه‌های گوناگون در بیان مشخصات منابع؛ مانند آوردن کلمه «بی‌تا» درباره منبع ردیف سوم صفحه ۲۵۴ و کلمه «بی‌تاریخ» برای پاره‌ای از منابع نظیر منبع ردیف ششم در صفحه ۲۵۳ و ردیف‌های چهارم، سیزدهم، و هجدهم در صفحه ۲۵۴ و ردیف‌های دهم و دوازدهم در صفحه ۲۵۵؛

۱۱. باتوجه‌به آن‌که نگارنده اثر برای تدوین آن و تشریح موضوعات موردبررسی تلاش فراوان داشته است و شایان توجه و درخور سپاس است، بهره‌مندی از آن در تدریس درس «سیاست جنایی» در دوره‌های کارشناسی ارشد و به‌ویژه دکتری به‌تنهایی کافی نیست و بایستی سایر منابع مرتبط نیز بررسی شوند؛

۴. بررسی ابعاد محتوایی اثر

صرف‌نظر از آن‌که کاربرد واژه‌های فارسی به‌شکل روان و با فراگیری آسان و بهره‌مندی اثر از برگردان‌های فارسی نقطه قوت آن به‌شمار خواهد رفت، استفاده از اصطلاحات تخصصی در این کتاب مانع از ارزش‌گذاری بر آن نخواهد بود. نویسند در این کتاب تلاش کرده است که مطالب مرتبط با موضوع سیاست جنایی را بومی کند و با حقوق کیفری ایران و اسلام هماهنگ کند و از این حیث این کتاب درخور توجه است، اما ازسوی دیگر، از موضوعات مهم دیگری که اصولاً در بحث سیاست جنایی مطرح است کم‌تر بهره جسته است. بنابراین، از این حیث به‌تنهایی برای تدریس این درس، به‌ویژه در مقطع دکتری، کافی نخواهد بود و بایستی درکنار آن از منابع تکمیلی نیز بهره گرفته شود.

بررسی دیدگاه‌های اسلام در ره‌گذر سیاست جنایی و مباحثی نظیر جرایم مستوجب حد یا قصاص یا پرداختن به جرایم حق‌الله و حق‌الناس از نکات قابل توجه این کتاب است. رویکرد کتاب درقبال فرهنگ و ارزش‌های اسلامی مطلوب است و نویسنده با بهره‌گیری از برخی منابع اسلامی مشهور که اغلب دانشجویان به آن‌ها دسترسی دارند و تجزیه و تحلیل و انطباق موضوعات با مقوله‌های مطرح‌شده در سیاست جنایی و درنهایت تبیین سیاست جنایی اسلام و جمهوری اسلامی ایران اقدام کرده است که دلیل مهم دانستن این کتاب است.

۱.۴ امتیازات اثر

ازجمله مواردی که در کتاب ارزیابی شده می‌تواند نقطه قوت آن دانسته شود بدین ترتیب است:

۱. بیان تأثیر گرفتن سیاست جنایی نزد انسان‌ها در جوامع مختلف از گذشته‌های دور تاکنون از ارزش‌ها و اصول عقیدتی (در پاراگراف دوم صفحه ۲۹) که عمق توجه باور نویسندگان را به مباحث عقیدتی و اثرگذاری آن در اجتماعات بشری نشان می‌دهد؛
۲. ممکن و مفید دانستن تحلیل ساختاری سیاست جنایی اسلام از نگاه صاحب اثر که در صفحه ۱۵ کتاب به روشنی بیان شده است که تحلیل ساختاری سیاست جنایی اسلام با الهام گرفتن از مبانی تحلیل ساختاری ممکن و به‌علاوه مفید است؛
۳. بیان مزجی نگاه و اندیشه غربی و اسلام به موضوع سیاست جنایی در این کتاب، به‌ویژه در مقدمه و فصل اول از باب اول بسیار قابل توجه استفاده شده است؛
۴. پرداختن به مباحث سیاست جنایی از منظر اسلام و دیدگاه قرآن کریم، نظریات علما و فقهای اسلامی به‌نحو اعم و فقهای ایران به‌گونه‌ی خاص؛
۵. آشنایی بیش‌تر خوانندگان اثر، به‌ویژه دانشجویان عرصه حقوق کیفری و جرم‌شناسی با جایگاه مقوله‌های مطرح‌شده در سیاست جنایی از نگاه ادله اربعه اسلام و نیز معیارهای اخلاقی و موازین قانونی موردپذیرش نظام جمهوری اسلامی ایران؛
۶. نقد این اندیشه دلماس مارتی که سیاست جنایی اسلام را به تأثیر از دیدگاه گراو نزدیک به نمونه استبدادی می‌داند (صفحه ۱۷۵) و ارائه دلایلی به رد این تفکر، از جمله نکات حائز اهمیت در این کتاب است که در صفحات ۱۷۶ به بعد در فصل اول، باب سوم با عنوان «روابط پاسخ به پدیده مجرمانه با مراجع دولتی» به‌نقد گذارده شده است؛
۷. پرداختن به نقش مهم و اثرگذار رهبری در سیاست جنایی اسلام؛
۸. تلاش وافر نگارنده برای روزآمد کردن داده‌ها و اطلاعات اثر با اشاره به اصطلاحات و واژه‌های نوین که در منابع جدید تألیفی یا ترجمه‌شده مطرح شده است؛
۹. طرح دیدگاه‌های اسلامی در ره‌گذر سیاست جنایی از طریق ورود به مباحث حد، قصاص، تعزیر، جرایم حق‌الناسی و حق‌الهی (به‌رغم محدودیت بررسی‌های صورت‌گرفته)، از نوآوری‌های این اثر است.

۲.۴ ایرادات اثر

هرچند کتاب موردارزیابی نقاط مثبت متعددی دارد و در گستره مقوله سیاست جنایی کار ارزش‌مندی انجام گرفته است، کاستی‌هایی نیز در آن دیده می‌شود:

۱. نپرداختن به مقایسه مفهوم و قلمرو دو اصطلاح مهم سیاست کیفری و سیاست جنایی در این اثر و بیان کوتاه در این باره در صفحه ۱۳؛
۲. ارائه نشدن تعریف مشخص با ویژگی های روشن از سیاست جنایی اسلام در مبحث تمهیدی مفهوم سیاست جنایی در صفحات ۲۰ به بعد؛
۳. همان گونه که نویسنده در صفحه دو کتاب بیان کرده است، کتاب حاضر قسمتی از رساله دکتری وی است که تحت حمایت و راه‌نمایی خانم دلماس مارتی تدوین و از آن دفاع شده است. بنابراین، در بخش های نخست کتاب تکیه بیش تر وی بر نظریات مارتی است؛
۴. نویسنده دلماس مارتی را پیش تاز پژوهش و آموزش می‌داند که قابل بحث است؛
۵. نپرداختن به اقسام و طبقه‌بندی های مربوط به سیاست جنایی از جهات گوناگون، به ویژه مطرح نکردن سیاست جنایی، تقنینی، قضایی، اجرایی، و مشارکتی به شکل مشخص از جمله کاستی های این اثر است؛
۶. نگارنده در فصل (منطقه الزام) در صفحات ۹۲ به بعد کتاب وارد مباحث اصولی شده است که دو اشکال در این زمینه وارد است؛ نخست، مباحث مطرح شده مفید است، اما کافی و در حد مطلوب برای خوانندگان اثر نخواهند بود؛ دوم، از حیث استناد به منابع دچار ضعف و کمبود قابل توجه است؛
۷. بهتر بود که هم‌راه با بیان عناوین قانون الزام آور، غیر ملزمه، و قوانین اباحه به طبقه‌بندی موضوع از منظر حقوقی نیز مبادرت می‌شد تا امکان مقایسه و گرفتن نتیجه برای مطالعه‌کنندگان آسان تر و مفید تر شود؛
۸. کندوکاو مناسب و کافی درباره عقل، بلوغ، و ایمان در گستره ادله اربعه و دیدگاه های فقهی در صفحات ۱۰۴ تا ۱۱۱ انجام گرفته است و از هفت منبع نیز بهره گرفته شده که از این حیث کمبود مستندات به چشم می‌خورد؛
۹. چنانچه هم‌راه با طرح موضوعات گوناگون در ارتباط با جرم و گناه و عقوبت آن از منظر اسلام، دیدگاه های فقهای اسلامی و ارزیابی تفکرات ایشان، ذکر و بررسی مفاهیم مشابه جرم و گناه از نگاه اسلام مانند، اثم، ذنب، سیئه، خطیئه، معصیه، تعدی، فحشا مطرح می‌شد، بر غنای اثر می‌افزود؛
۱۰. ضعف منابع مورداستناد در خصوص بررسی روابط پاسخ به پدیده مجرمانه با پدیده مجرمانه در مراجع دولتی در فصل اول، باب سوم، در صفحات ۱۷۶ به بعد؛

۱۱. بررسی کوتاه نقش رهبری در سیاست جنایی اسلام در صفحات ۱۸۰ تا ۱۸۲ در استناد به قوانین و مقررات اسلام اعم از اساسی و عادی، به‌خصوص قانون مجازات اسلامی و نیز منابع فقهی و حقوقی متعدد؛
۱۲. باتوجه به آن که موضوع پیش‌گیری از مباحث مهم عرصه سیاست جنایی است، کمبود ارزیابی در این باره در اثر مزبور و بی‌توجهی به اشکال و انواع پیش‌گیری و اقدامات پیش‌گیرانه اعم از کیفری (قضایی - تقنینی) و غیرکیفری (اجتماعی - وضعی)، تنبیهی، اصلاحی، مکانیکی از کاستی‌های مهم آن است؛
۱۳. در مبحث (در مرحله واکنش) در صفحه ۲۲۰، موضوعات مهم دفاع مشروع و امر به معروف که اکنون از موانع مسئولیت کیفری به‌شمار می‌روند، بدون بررسی حقوقی، فقهی، و قانونی لازم رها شده است.

۵. نتیجه‌گیری

رشته مطالعاتی سیاست جنایی، صرف‌نظر از ابهام‌داشتن عنوان آن، به دلیل ابعاد مختلف یعنی تقنینی، قضایی، اجرایی، و مشارکتی با در نظر گرفتن مدل‌هایی که برای آن ترسیم شده است و نیز گستره‌ای که فراتر از حقوق جزاست، منحصر به جرم و پاسخ کیفری آن نیست و از این نظر که می‌توان در بررسی‌هایی که در پرتو آن صورت می‌گیرد به سراغ رفتارهای غیراخلاقی و غیرکیفری رفت و گاه از بررسی ممانعت از بروز آن‌ها سخن گفت، حائز اهمیت است و بی‌تردید اختصاص دادن واحدهای درسی و اقدامات پژوهشی و آموزشی متناسب دیگر مطلوب است و می‌تواند به رشد فعالیت‌های تقنینی و قضایی نیز کمک کند. البته، نباید از نظر دور داشت که منابع حقوق اسلامی سرشار از مطالب و موضوعاتی هستند که در این قلمرو قابل بهره‌برداری هستند و به همین جهت است که می‌توان با قاطعیت بیان کرد که سیاست جنایی اسلام از حیث زمانی مقدم بر طرح آن در غرب و شرق است و از نظر محتوا نیز گسترده‌تر از محتوای مورد نظر اندیشمندان غربی و شرقی و به تعبیری غیراسلامی است.

مؤلف کتاب مورد ارزیابی در راستای معرفی سیاست جنایی اسلامی تلاش زیادی کرده است، اما از نکات قابل توجه بسیاری سخن به میان نیاورده‌اند و بر این اساس، این اثر نقیصه اغماض‌ناپذیر است که می‌بایست رفع شود.

صرف نظر از ایراداتی که در دو قسمت شکلی، در فهرست مطالب، متن، پانوشتها، و فهرست منابع، از حیث رعایت نشدن نکات و دستوره‌های نگارشی در رابطه با علائم ویرایشی، معیار شروع پاراگراف‌ها، استفاده از افعال ناقص، سرهم‌نویسی کلمات، به‌کارگیری کم‌تر از واژه‌های غربی، ترکیب واژه‌های غیرفارسی و فارسی با یک‌دیگر، ساده و روان‌نویسی، ارائه کامل مشخصات منابع، رعایت ضابطه تکرار منابع، هماهنگی منابع مذکور در پانوشتها با فهرست منابع، کاستی‌های محتوایی در فقدان ارزیابی مطلوب و جامع از حیث مقایسه میان سیاست جنایی از دو نگاه غربی و اسلام، مفهوم دقیق سیاست جنایی اسلام همراه با شرایط و ویژگی‌های آن، جایگاه سیاست جنایی در قلمرو تقنینی، قضایی، اجرایی، و مشارکتی جمهوری اسلامی ایران، ورود کافی و مناسب به مباحث مربوط به سیاست جنایی در قلمرو قوانین شکلی و ماهیتی ایران، تحلیل دقیق‌تر از برخی از موضوعات فقهی و اصولی مورد بحث در کتاب، نگاه جامع‌تر به نقش رهبری و سیاست جنایی اسلام و ایران دیده می‌شود؛ نقد مواردی از دیدگاه‌های اندیشمندان غربی، به‌ویژه دلماس مارتی، و بیان سبقت طرح مباحث سیاست جنایی در جهان و بهره‌مندی غرب از منابع اسلامی در این زمینه، پیدایش تحول چشم‌گیر و توجه حقوق و قوانین جمهوری اسلامی ایران به موضوعات سیاست جنایی و کاربردهای گوناگون آن، در نتیجه جلب توجه خوانندگان این اثر و دانش‌پژوهان حقوق کیفری و جرم‌شناسی به ضرورت جستار بیش‌تر در این باره در منابع اسلامی و فقهی و باور امکان تحقیق عمیق‌تر و ارائه نظریات تکمیلی و نوین در عرصه سیاست جنایی به دیگر نظام‌های حقوقی در جهان و در نهایت اثرگذاری در مقررات فراملی اعم از قلمرو داخلی کشورها یا بین‌المللی از نکات حائز اهمیت و دستاوردهای ارزشمند این اثر است.

پی‌نوشت‌ها

۱. پاسخ دولتی تدابیر و اقداماتی است که دولت از طریق قوای مختلف خود برای پیش‌گیری از جرم و مبارزه علیه بزه‌کاری و نیز اصلاح بزه‌کاران و منحرفان پیش‌بینی و وضع و اعمال می‌کند.
۲. پاسخ تدابیر و اقدامات غیررسمی است که جامعه مدنی، مردم، نهادهای مردمی به‌منظور پیش‌گیری از بزه‌کاری و انحراف و نیز اصلاح مجرمان تعیین و اعمال می‌کند.
۳. تعریف مذکور متعلق به نگارنده است.
۴. در این باره، می‌توان به کتب لغت مانند فرهنگ معین، جلد چهارم و فرهنگ عمید، جلد دوم مراجعه کرد.

کتاب‌نامه

امین صارمی، نوذر (۱۳۸۰)، *انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های معارض*، تهران: دانشگاه علوم انتظامی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.

لازرژی، کریستین (۱۳۸۲)، *درآمدی به سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.

مارتی، دلماس (۱۳۸۱)، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.